

نقش پایگاه جامع اطلاعاتی نسخ خطی در تدوین تاریخ علم ایران و اسلام

با تأکید بر دیدگاه‌های استاد عبدالحسین حائری

احسان الله شکراللهی طالقانی

این مقاله در هفتمین همایش سالانه ایفلا (فدراسیون انجمن‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی) که در سال جاری (۲۰۰۴) در شهر بوینس آیرس (آرژانتین) برگزار شد در نشست مربوط به نسخه‌های خطی و کتاب‌های نادر ارائه گردید. که با استقبال خوبی مواجه شد و تقدیرنامه رسمی خانم سوزان آلن مسئول این بخش از ایفلا در انتهای همین مقاله درج شده است. مجله پیام بهارستان

اهمیت میراث مکتوب نزد ایرانیان و مسلمانان

تاریخ بشر بنا بر تعریف رایج با کتابت آغاز می‌شود. با اینکه باستان‌شناسانی که با دوره ماقبل تاریخ سروکار دارند تلاش‌های بسیاری را برای افشای جنبه‌های مهم توسعه جمعی بشر در مراحل اولیه آن انجام داده‌اند، هنوز تنها از طریق منابع مکتوب است که مورخ می‌تواند به کشف اندیشه‌ها و احساسات درونی انسان‌های نسل گذشته امید داشته باشد و هرچه منابع بیشتری برای ارزیابی شرایط زندگی نسل‌های پیشین نوع بشر در اختیار مورخ قرار گیرد، باز هم به ناچار مهمترین منبع برای او کلام ثبت شده زمان‌های پیشین است.^۱

از دوران درخشان شکوفایی علم و فرهنگ و اندیشه در تمدن ایران و سرزمین‌های اسلامی اسناد غیرقابل انکاری بجای مانده است. این سندهای عالی، کمال و نبوغ اندیشمندان ایرانی و مسلمان را در مسائل علمی، دینی و اخلاقی درست در زمانی که تاریکی جهل و خرافات بر بسیاری از نقاط این کره خاکی سایه افکنده بود به اثبات می‌رساند.^۲

حدود پنج هزار سال قبل از میلاد، هنگامی که اولین کتابخانه عمومی در یونان تأسیس شد و اقدام به گردآوری داستان‌های اساطیری کرد، در ایران نیز در شهر استخر فارس کاخی برای نگهداری کتاب «اوستا» که روی شانزده هزار پوست گاو و با آب طلا نوشته شده بود ساخته شد. برخی این کاخ، که «دژبشت» نامیده شد را اولین آرشیو مدارک مکتوب در جهان دانسته‌اند.^۳

درباره تاریخ علوم در ایران کهن می‌توان از پاره‌ای اشارات اوستا و اخباری که در داستان‌های ملی ایران و یا آثار مؤلفانی چون «هرودوت» و دیگران آمده است استفاده کرد، اما عهد پختگی در کمال تمدن و فرهنگ ایران پیش از اسلام دوره ساسانی (۲۲۶-۶۵۲ میلادی) بوده است که مطالعه وضعیت مراکز علمی زرتشتیان و عیسویان در این دوران، پیشرفت ایرانیان در علومی از قبیل منطق، نجوم، ریاضیات، طب، داروسازی، طبیعیات، فلسفه و کلام را به اثبات رسانده است، که دانشگاه جندی شاپور به عنوان نمادی از این رشد و پیشرفت قابل ذکر است.^۴

اما تمدن اسلام که با معجزه کتاب آسمانی‌اش (قرآن)، پا به عرصه جهان بشری گذاشت برعکس تمدن و فرهنگ یونان که گفتگو (دیالوگ) بر آن غالب بود، بیشتر با کتاب و کتابت که پیشتر در تمدن‌های باستانی یونان، ایران و چین مجال طرح یافته بود، مانوس شد و مخصوصاً با احداث دانشگاه‌هایی همچون بیت‌الحکمه‌ها، پدیده‌های مربوط به نسخه‌پردازی، کتاب‌آرایی و ترجمه در آن جلوه و جلالی دیگر گرفت.^۵ توماس اربینیوس استاد زبان عربی دانشگاه لیدن هلند در قرن هفدهم در یکی از سخنرانی‌هایش در این باره می‌گوید: «مسلمانان چنان به کسب دانش و مطالعه خو گرفتند که در سرزمین‌های آنها دانشگاه‌هایی وجود داشت که از نظر تعداد و اعتبار، بر دانشگاه‌های دنیا برتری داشت. . . اینان علوم را فرا می‌گرفتند و بر آن می‌افزودند و به شرح و تفسیر و اصلاح آن اقدام می‌کردند و به آیندگان می‌سپردند. به این ترتیب آنها مهمترین آثار و منابع عهد باستان و اروپا را نیز به

غربی در طی ۱۴۰۰ سال گذشته شده است را بررسی می‌کند، طیف وسیعی از موضوعات مختلف از تفاسیر قرآن و حدیث گرفته تا متون تاریخ، جغرافیا، پزشکی، ادبیات، نجوم، ریاضیات و فلسفه که عمدتاً به زبان عربی، فارسی، ترکی و نیز اردو، پشتو، جاوه‌ای، مالی، ماداگاسکاری، سواحلی و بسیاری از لهجه‌های این زبانها هستند را دربر می‌گیرد.^۱

آقای هوفمن در این کتاب می‌نویسد: «برای اروپائیان این نسخه‌های خطی بینش‌های مهمی درباره تجربه عقلانی مسلمین به دست می‌داد و برای اندیشمندان غربی غالباً برای نخستین بار فرصت آموختن درباره اسلام و دستاوردهای مسلمین در زمینه پزشکی، فلسفه، تاریخ‌نگاری، علوم و ادبیات را پدید می‌آورد. بنابراین مجموعه‌های اسلامی که در اروپای غربی و امریکای شمالی فراهم

آمده زیربنای ارتباط شرق و غرب است.^۲»

«این مجموعه‌ها متشکل از نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی است اما چیز دیگری را نیز به نمایش می‌گذارد: آنها حاصل عمرهایی است که صرف کار، سفر و مطالعه در کشورهای اسلامی شده است. در کتابخانه‌های غربی نسخه‌های خطی وجود دارد که دانش پژوهان، سربازان، بازرگانان، مبلغان مذهبی، مدیران، نویسندگان، تجار کلان، و سیاحان فراهم آورده‌اند. این افراد به انگیزه‌ها و دلایل گوناگون به مجموعه‌سازی پرداخته‌اند.^۳»

بازنویسی فهرست‌های نسخه‌های خطی

کتابشناسان، نسخه‌شناسان و دانشمندان علوم اسلامی برای فهرست کردن و سهل‌الوصول نمودن گنجینه‌های نسخ خطی نهفته در کتابخانه‌ها تلاش فراوان صورت داده‌اند. پیشگامانی همچون ابن ندیم، کاتب چلبی، و صفدی از یکسو، خاورشناسانی چون بلوشه، ریو، پیرسن، اربری، استوری، سزگین، و بروکلمان از سوی دیگر، و



زبان عربی ترجمه کردند. نه تنها آثار مصری‌ها، پارسی‌ها، و کلدانیان (که تصور می‌شود اولین پدیدآورندگان آثار علمی باشند)، بلکه آثار یونانی‌ها و لاتینی را نیز ترجمه کردند و به همین دلیل بسیاری از اینگونه آثار که نسخه اصلی آنها بر اثر حوادث زمانه و بی‌توجهی مردمان آن روزگار از بین رفته، امروز همچنان به زبان عربی برجا مانده است. علاوه بر این آنان آثار و منابع فراوانی را در همه زمینه‌ها و علوم پدید آوردند که اکثریت این آثار حاصل ابداعات هوشمندانه، نبوغ فکری و مشاهدات علمی آنان بوده و به شکلی روشمند و عالمانه تنظیم یافته است.^۴»

به این ترتیب «در سراسر جهان اسلام [که حد و مرز آن از سرزمین چین تا سواحل اسپانیا گسترش یافت]، زبان مکتوب همواره نقش مهمی در شکل‌دهی آراء دینی، فلسفی و تعقلی ایفا کرده است. نسخه‌های خطی را همیشه ارج می‌نهادند و فضلا و نویسندگان جایگاه برجسته‌ای در جامعه داشته‌اند و برای نسخه‌های خطی ... [که تنها محمل انتقال علوم بود]، اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند.^۵ تا آنجا که شاید گزافه نباشد اگر بگوئیم نسخه‌های خطی هیچ یک از ملل جهان به اندازه نسخه‌های خطی متعلق به کشورهای اسلامی نیست و براساس تخمین محققان و متخصصان فقط تعداد نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌های جهان بیش از سه میلیون بالغ می‌گردد.^۶»

انتقال نسخه‌های خطی مسلمانان به غرب

سالیان بسیاری است که گفته یا نوشته می‌شود که اهالی مغرب زمین بخش عمده‌ای از میراث فرهنگی جهان اسلام از جمله نسخه‌های خطی را به کشورهای خود منتقل کرده‌اند. اما باید از خود پرسیم چرا، چگونه و به چه دلایلی این همه نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی از کشورهای مسلمان به اروپای غربی و امریکای شمالی رفته است. چه عاملی باعث پیدایش مجموعه‌های عظیم و منحصر بفرد در شهرهای مختلفی چون لندن، پاریس، برلن، میلان، و لس‌آنجلس شده است. کسانی که این مواد کتابخانه‌ای را از کشور منشأ خود جدا کرده و به مغرب زمین آورده‌اند چه کسانی بوده‌اند؟ پاسخ برخی از این پرسش‌ها را می‌توان در کتاب آقای استفان رومن با عنوان «پیدایش مجموعه‌های کتابخانه‌های اسلامی در اروپای غربی و امریکای شمالی» یافت. این کتاب به بررسی تعدادی از مجموعه‌های ارزشمند بین‌المللی تنها در ده کشور کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، بریتانیای کبیر، ایرلند، ایتالیا و واتیکان، هلند، اسپانیا، و ایالات متحده می‌پردازد و عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی که منجر به پیدایش و شکل‌گیری ارتباط جوامع اسلامی و

در ایران معاصرینی چون شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدتقی دانش پزوه، ایرج افشار، احمد منزوی و عبدالحسین حائری، سالهای بسیاری از عمر خود را در کتابخانه‌ها وقف معرفی و فهرست‌نویسی کتاب‌ها کرده، حاصل عمر خویش را در قالب فهرست‌های نسخه‌های خطی و کتابشناسی‌های مختلف در دسترس سایر دانشمندان قرار داده‌اند.^{۱۲} اما با تأسف باید گفت هنوز در بسیاری از کتابخانه‌های جهان بسیاری از نسخه‌های خطی ایرانی و اسلامی وجود دارد که فهرستی از آنها در اختیار علاقمندان و پژوهشگران قرار نگرفته و در مورد آن بخش از نسخ که فهرست شده نیز چه بسا به جهت ناآشنایی فهرست‌نگاران غربی با متن نسخه‌هایی که فاقد عنوان کتاب و نام نویسنده، تاریخ تألیف یا تحریر است، خطاهایی در ثبت آنها صورت گرفته است.^{۱۳}

از طرف دیگر بررسی شکل ظاهری نسخه‌های خطی (نسخه‌شناسی) از دانش‌هایی است که غربیان بیش از مسلمانان به آن اهتمام ورزیده‌اند.^{۱۴} با این حال استاد حائری معتقدند کتابشناسی درست نسخه خطی یعنی «شناسایی عنوان و موضوع اثر بعلاوه نام و زمان مؤلف» مهمترین عناصر در فهرست‌نگاری نسخ خطی است. این گفته تأکیدی است بر صحت اصلی‌ترین عناصر شناسایی نسخه خطی، و گرنه پرداختن به سایر جنبه‌های این فن چیزی است که اکثر فهرست‌نگاران ایرانی از آن غافل نبوده‌اند و با عمل و گفته خود تا حدود زیادی بر آن صحه گذاشته‌اند.^{۱۵}

لازم به ذکر است مقرر شد، تمامی فهراس نگارش یافته در ایران طی طرح جامعی به صورت پایگاه رایانه تبدیل شود که این کار توسط موسسه نمایه‌ساز در مورد کتابخانه‌های شهر تهران صورت گرفته و در مورد سایر کتابخانه‌ها در دست اقدام است.

تألیف تاریخ علم براساس فهراس خطی

صرفنظر از فرایند فهرست‌نگاری، استاد حائری هدف نهایی این کار را تنها شناسایی نسخ نمی‌دانند. طبق نظریه‌ای که در ایران به نام ایشان به ثبت رسیده است «فهرست‌نگاری دقیق و درست نسخه‌های خطی عامل اصلی خودشناسی و مقدمه نگارش دقیق تاریخ علم مسلمانان است». ایشان در سال ۱۳۵۹ ش/۱۹۸۰م در مقدمه جلد دوم فهرست کتب خطی کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) می‌نویسند:

« این نگارنده همواره با کمال تأسف احساس کرده‌ام کار فهرست‌نگاری، کتابشناسی و نسخه‌شناسی کتاب‌های خطی، این بزرگترین منابع و اسناد میراث فرهنگ تمدن اسلامی، از خط و هدف

اصلی خویش کنار مانده، در قالب وظیفه‌ای خشک و شغلی از مشاغل برای تأمین زندگی درآمده است، به دور از روح واقعی و بدون حصول نتیجه اصلی.

اگر به این نکته توجه کنیم که بزرگترین عامل عقب‌ماندگی مسلمانان و این احساس نیاز مبرم عملی که نسبت به غرب پیشرفته در خویش احساس می‌کنند، این از خود فراموشی است که گریبانگیر آنان شده و علت اساسی آن هم ناآگاهی و بی‌خبری ایشان از میراث عظیم فکری بی‌مانند خویش و از آثار و افکار پیشرفته و کوشش‌های درخشان دانشمندان مسلمان قرنهای گذشته است که این اعتقاد ناآگاهانه و گاه آگاهانه را در اذهان عامه مردم ممالک اسلامی از تحصیلکرده و ناکرده به وجود آورده که: «خبرها همه در غرب است و در شرق مسلمان خبری نیست».

استاد حائری در نهایت نتیجه‌گیری می‌کنند که: «باید کارشناسان و دانشمندان مسلمان و متعهد از نو به کار شناسایی و تحلیل آثار و افکار علمای اسلام بپردازند و عده‌ای از مستعدان متعهد را نیز برای فراگیری این فن و انجام این وظیفه اسلامی تربیت کنند. به دنبال آن وظیفه داریم در تاریخ و سرگذشت علوم تجدیدنظر کنیم و تاریخ علوم را براساس اسناد واقعی و دقیقاً بررسی شده ترتیب دهیم و آن را در سطح جهان و خاصه در جهان اسلام در بین طبقات جوانان نشر دهیم».^{۱۶}

نظریه استاد حائری مبنی بر «بازنویسی تاریخ علم تمدن اسلامی به دست مسلمین براساس بازشناسی نسخ خطی» حکایت از این نکته ظریف دارد که هرچه تاکنون در خصوص تاریخ علم در تمدن اسلامی نگاشته شده... آثار غیر مسلمانان و یا تقلید و تکرار نامحققانه برخی از مسلمانان از آنان است و باید دانست که عواملی چون عدم آگاهی کامل به معالم دین اسلام و غالباً تعصبات و غرض‌ورزی‌ها موجب کاستی کتب مزبور شده است. چه بسیار افتخارات مسلمین در باب ابداعات و نوآوری‌ها که در کتابهای تاریخ علم از آن چشم پوشیده شده و حتی بی‌انصافانه به دیگران نسبت داده شده است.^{۱۷}

البته تألیف و بازنویسی فهراس نسخ خطی تنها به تکمیل تاریخ علم مسلمانان کمک نمی‌کند، که حتی تاریخ علم اروپا را نیز سامان بهتر می‌دهد. اربینیوس که ابتدای این مقاله از او نام برده شده در بخشی از سخنرانی‌اش می‌گوید: «من کتب تاریخی دقیق و معتبری از مسلمانان در اختیار دارم که به کمک آنها اگر عمری باشد می‌توانم زوایای تاریک تاریخ کتب مقدس، تاریخ یونان، و تاریخ ممالک لاتین را روشن ساخت».^{۱۸}



اطلاع‌رسانی مطلوب این منابع با استفاده از آخرین فن‌آوری‌های روز. مرکزی شبیه اما کاملتر از معهد المخطوطات که در مصر و برخی دیگر از کشورهای عربی با همکاری یونسکو راه‌اندازی شده است.^{۲۱}

فایده چنین مرکزی علاوه بر کمک به تدوین تاریخ علم و تصحیح انتقادی متون، جلوگیری از نابودی بخشی از حافظه جهانی است که هر آن ممکن است در معرض حوادثی قرار بگیرند چون زلزله آگوست سال ۱۹۹۹ استانبول^{۲۲}، زلزله‌های اخیر ایران، جنگ بیست ساله افغانستان، و غارت موزه ملی عراق پس از سرنگونی رژیم صدام^{۲۳}.

تلاش ایران در جمع‌آوری تصاویر نسخ خطی

هرچند در ایران اقدامات ارزنده‌ای برای جمع‌آوری تصاویر نسخه‌های خطی پراکنده در جهان انجام گرفته، مثل اقدام مرحوم مجتبی مینوی در جمع‌آوری تصاویر نسخ خطی مهم از کتابخانه‌های بزرگ دنیا در دانشگاه تهران، یا تلاش مرکز میکروفیلم نور برای جمع‌آوری تصاویر نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های شبه قاره، و جدیت مراکز چون کتابخانه آیت‌الله مرعشی، مرکز نشر میراث مکتوب، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی و طب اسلامی و مرکز احیاء میراث اسلامی برای جمع‌آوری تصاویر نسخ خطی بصورت کاغذی، میکروفیلم و لوح فشرده. اما اینها همه در مقابل طرح پیشنهادی استاد حائری مبنی بر «تهیه تصویر همه نسخ خطی مربوط به تمدن ایرانی و اسلامی موجود در کتابخانه‌های سراسر جهان و نیز مجموعه‌های شخصی به هر زبان و در هر موضوع» بسیار اندک می‌نماید. حتی در برنامه‌های ملی که در ایران تدوین گردیده نیز به اهمیت و عظمت موضوع تا این حد توجه نشده است. در نخستین طرح جامع بانک‌های اطلاعاتی ایران که توسط مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران در سال ۱۳۷۳ پیشنهاد شده بود، تنها به تهیه بانک اطلاعاتی حاوی نسخ خطی موجود در ایران اشاره شده

نگارنده زمانی که دیدگاه دکتر رشدی راشد رئیس مرکز تاریخ علوم و فلسفه غرب و معاون آکادمی بین‌المللی تاریخ علوم را در خصوص نظریه استاد حائری جویا شد چنین پاسخی شنید: «نقش نسخه‌های خطی در تدوین تاریخ علم یک نقش بنیادین است. زیرا تدوین تاریخ علم و علوم اسلامی بدون مراجعه به نسخه‌های خطی امکان‌پذیر نیست. آنچه اکنون حائز اهمیت است پژوهش و تحقیق پیرامون نسخه‌های خطی است، آن هم پژوهش علمی، فکورانه و دقیق... برای دستیابی به چنین امر مهمی باید تحقیقات پیرامون تمام نسخ خطی موجود در دنیا صورت بگیرد، و نه روی یک نسخه منحصر بفرد».^{۲۴}

اما به راستی چگونه می‌توان به این هدف بزرگ دست یافت؟ انجام چنین امری ممکن نخواهد بود مگر با در اختیار داشتن اصل یا تصویر همه نسخه‌های پراکنده از هر اثر در کتابخانه‌های جهان. چگونه می‌توان فهرست نگارش یافته‌ای را ویرایش کرد بدون رؤیت اصل یا حداقل تصویر نسخه معرفی شده؟ چگونه می‌توان هویت اثر یا مؤلف ناشناخته‌ای را بقطع یقین معلوم داشت بدون در دسترس داشتن نسخه‌ای دیگر از آن اثر یا آثار دیگری از آن مؤلف؟ آقای ویلفرد مادلونگ در این باره می‌نویسد: «تاریخ‌نگار برای هریک از جنبه‌های تمدن اسلامی غالباً موقعیت خود را با نوعی احساس ناتوانی عمیق درک می‌کند زیرا در حالی که از غنای عظیم منابع بالقوه نسخه‌های خطی آگاه است، این منابع بسیار پراکنده، و غالباً در دسترس او نیستند... بنابراین مورخان اسلامی می‌بایست تلاش‌های هماهنگ و مداومی را برای گردآوری و سنجش ثروت پراکنده دست‌نوشته‌های اسلامی آغاز کنند تا در دسترس پژوهشگران و مصححان توانا قرار بگیرد و متون بسیار مهم با تصحیح‌های انتقادی انتشار یابد».^{۲۵}

تشکیل پایگاه جامع اطلاع‌رسانی نسخه‌های خطی

به نظر می‌رسد لازمه در دسترس بودن این منابع جز از طریق تعامل معقول بین کتابخانه‌های دارای این نسخ میسر نباشد. در عین حال به هر میزانی هم که کتابخانه‌های دارای نسخ خطی برای در اختیار نهادن موردی تصاویر آنها با یکدیگر همکاری داشته باشند، سرعت پائین چنین شکلی از خدمات‌رسانی، روند شناسایی میراث مکتوب به‌جا مانده از پیشینیان را دشوار نموده، تدوین تاریخ علمی جامع را به تأخیر می‌اندازد. چاره این مشکل از نظر استاد حائری تشکیل مرکزی بزرگ است برای فراهم‌آوری تصاویر همه نسخ خطی تمدن آیرانی و اسلامی از سراسر جهان و سازماندهی و

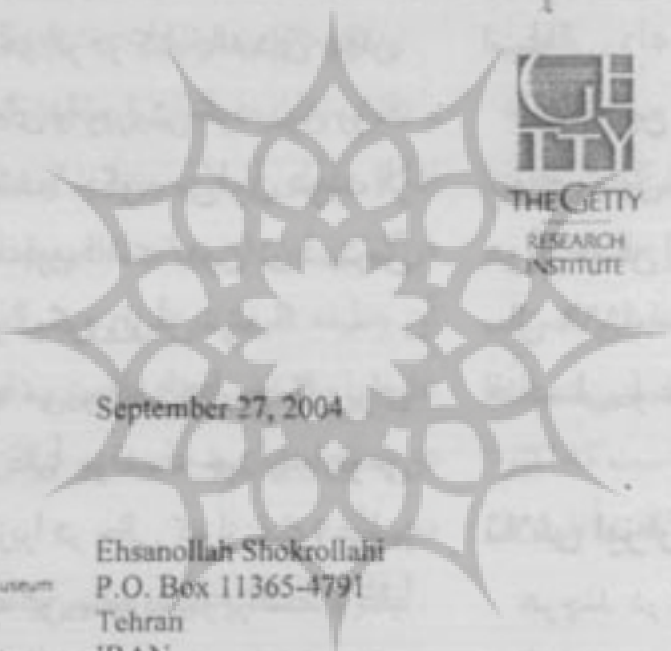
تحقق آمال همه دلسوزان، صاحب نظران و علاقمندان این میراث گرانبقدر به ویژه جناب استاد عبدالحسین حائری که بیش از نیم قرن در این کتابخانه به کار شناسایی و فهرستنگاری نسخ خطی اشتغال داشته‌اند فراهم نماید؛ و متولیان فرهنگی ایران و جهان را برای عملی شدن نظرات ارزشمند ایشان همراه سازد.

این مقاله را با جمله‌ای از استاد حائری به پایان می‌رسانم و پیشنهاد می‌کنم شعار و موضوع اصلی کنفرانس ایفلا در «بخش کتابهای نادر و خطی» سال ۲۰۰۵ یا یکی از سالهای بعد قرار بگیرد: «برای نوشتن تاریخ علم باید آثار و میراث گذشتگان شناسایی و احیا گردد»^{۲۶}.

۸۳/۳/۱۴

بود^{۲۳} که در برنامه ملی اطلاع‌رسانی کشور این نقیصه تا حدی برطرف شد و «تهیه عکس یا میکروفیلم از آثار خطی ایران که در کتابخانه‌های خارج نگهداری می‌شود» نیز در دستور کار مطالعه قرار گرفت^{۲۵}، که ما را یک قدم به ایده‌آل استاد حائری نزدیک‌تر می‌کند، اما کافی نیست.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی با برگزاری و حضور فعال در سمینارهای تخصصی مربوط به نسخ خطی، و انتشار تنها مجله تخصصی نسخه‌شناسی ایران با عنوان نامه بهارستان و راه‌اندازی مرکز پژوهش و احیاء نسخ خطی، برگزاری سالانه آئین بزرگداشت حامیان نسخ خطی سعی دارد زمینه مساعدی را برای



September 27, 2004

THE GETTY
The J. Paul Getty Museum
Research Institute
Conservation Institute
Grant Program

Ehsanollah Shokrollahi
P.O. Box 11365-4791
Tehran
IRAN

Dear Mr. Shokrollahi:

Thank you very much for presenting your paper, "The Role of a Comprehensive Database of Islamic Manuscripts in Compilation of History of Science of Iran and Islam," at the Rare Books and Manuscripts Section program of the IFLA World Library and Information Congress, Buenos Aires, 25 August 2004. Your paper was well received by more than two hundred IFLA delegates attending the program.

The IFLA Rare Books and Manuscripts Committee is grateful to you for your time and effort in preparing your paper and for your willingness to travel to Buenos Aires to present it. The program, "Migration and Reunification of Collections," received many compliments, and your participation was an important part of its great success. Again, thank you for speaking to us. With every good wish, I am

Sincerely,

Susan M. Allen

Susan M. Allen, Ph.D.
Chair, IFLA Rare Books and Manuscripts Committee
Chief Librarian
Research Library

SMA/jd
cc: Jan Bos, Secretary, IFLA Rare Books and Manuscripts Committee.

مأخذ و ارجاعات

۱. مادلونگ، ویلفرد (Wilfred F. Madelung)، «نسخه‌های خطی در پژوهش‌های تاریخی و تصحیح متون»، مترجم فریدون آزاده، نامه بهارستان، شماره ۲، پائیز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۱۱.
۲. احمدی ابهری، محمدعلی «سخن نخست»، پیام بهارستان، شماره ۷، آبان ۱۳۸۰، ص ۲.
۳. نگاه کنید به: www.randoc.ac.ir/commision-in/
۴. ایرانشهر. به سرپرستی علی اصغر حکمت. تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران (نشریه شماره ۲۲)، [بی تا]. ج ۲، ص ۶۹۵-۶۹۸.
۵. تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی. تألیف نجیب مایل هروی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰، ص ۱۹.
۶. اربینوس، توماس «ضرورت فراگیری زبان عربی برای فهم و دستیابی به متون عربی». ترجمه از لاتین روبرت جونز، مترجم به فارسی کیانوش بیانی، نامه بهارستان، سال اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۰۲-۱۰۴.
۷. تکوین مجموعه‌های اسلامی کتابخانه‌های اروپای غربی و امریکای شمالی. استفان رومن، ترجمه زهرا اباذری، ویراستار مهدی احمدی. تهران: سمت، ۱۳۸۲، ص ۵.
۸. فواد سید ایمن. کتاب العربی المخطوط و علم المخطوطات. قاهره: الدار المصریه اللبنائیة، ۱۴۱۸ق، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۵۰۹.
۹. نیکنام، مهرداد. «معرفی کتاب: پیدایش مجموعه‌های کتابخانه‌های اسلامی در اروپای غربی و امریکای شمالی، از استفان رومن، ترجمه زهرا اباذری». نامه بهارستان، سال اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۴۷-۱۴۹.
۱۰. «تکوین مجموعه‌های اسلامی در کتابخانه‌های اروپای غربی و امریکای شمالی» ص ۵۹۶.
۱۱. همان ص ۴ و ۳.
۱۲. کتابشناسی فهرست‌های دست‌نویس‌های اسلامی. تهیه و تدوین موسسه فهرستگان، [هنوز منتشر نشده]. ص ۱.
۱۳. دبیران، حکیمه، «آشنایی با نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مرکز عمومی نیویورک»، نامه بهارستان، سال اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۱۹.
۱۴. گنجیان، علی، «معرفی کتاب: کتاب العربی المخطوط و علم المخطوطات»، نامه بهارستان، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۴۱.
۱۵. نگاه کنید به: فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوه به کتابخانه دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۲، جلد سوم، بخش یکم، مقدمه، ص سه.
۱۶. فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق)، جلد دوم، تألیف محمدتقی دانش‌پژوه، بهاء‌الدین علمی انواری. مقدمه عبدالحسین حائری، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۵۹، ص ۱ و ۲.
۱۷. منصور طباطبایی، محمد. «فهرستگاری از دیدگاه استاد عبدالحسین حائری». پیام بهارستان، شماره ۷، آبان ۱۳۸۰، ص ۱۷.
۱۸. اربینوس، توماس، ص ۱۰۳. همچنین علاقمندان را به خواندن متن سخنرانی سودمند آقای دکتر غلامعلی حناد عادل با عنوان «تاریخ علم ضرورتی فراموش شده» دعوت می‌کنم که در تاریخ ۱۳۷۷/۴/۱۷ در دومین کنگره علمی پژوهشکده تاریخ علم وابسته به دانشگاه تهران ایراد گردیده و در نشریه قدس تاریخ ۷۷/۴/۳ منتشر شده است.
۱۹. «مصاحبه با دکتر رشدی راشد» یادمان سمینار مقدماتی نسخه‌های خطی (گزیده سخنرانی‌ها و گفتگوها)، به کوشش احسان‌الله شکراللهی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶-۱۱۷.
۲۰. مادلونگ، ویلفرد، ص ۱۱۲.
۲۱. الخشاب، یحیی. «نشاط معهد المخطوطات: تصویر المخطوطات فی البلاد العربیه»، مجله معهد المخطوطات العربیه، المجلد السابع، الجزء الثاني، جمادی الاولى ۱۳۸۱ق، نوامبر ۱۹۶۱، ص ۱۵۳-۱۵۶.
۲۲. آلبایی، مرال، «نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه استانبول پس از زلزله آگوست ۱۹۹۹، ارائه شده در گردهمایی «هیأت‌های نظری درباره نقل و تصحیح نسخه‌های خطی شرقی، استانبول ۲۸۳۰ مارس ۲۰۰۱». برگزار کننده موسسه مطالعات شرقی آلمان و دانشگاه استانبول.
۲۳. خوشبختانه «موسسه الذخائر للمخطوطات و البرامج الدینیة» تصاویر بسیاری از نسخه‌های کتابخانه‌های عراقی را بصورت لوح فشرده تکثیر نموده و در اختیار برخی مراکز فرهنگی و کتابخانه‌های بزرگ قرار داده است.

24. Iranian Parabases network

www.irandoc.ac.ir/commision-Inf/NI/plan.

25. Iranian national information plan

www.Irandoc.ac.ir/commision-in/

۲۶. «گفتگو با استاد عبدالحسین حائری» آئینه پژوهش (ویژه اطلاع‌رسانی تحقیقات اسلامی) سال اول شماره دوم، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، ص ۱۶۹-۱۸۰.

